

شهوت و عفاف

آیت الله مکارم شیرازی


بسم الله الرحمن الرحيم

مشکلات جنسی جوانان و بحثی درباره انحرافات جنسی

نویسنده:

آیت الله العظمی ناصرمکارم شیرازی (دام ظله)

ناشر چاپی:

نسل جوان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مشکلات جنسی جوانان و بحثی درباره انحرافات جنسی

مشخصات کتاب

سرشناسه : مکارم شیرازی ناصر، ۱۳۰۵ – عنوان و نام پدیدآور : مشکلات جنسی جوانان و بحثی درباره انحرافات جنسی/ ناصر مکارم‌شیرازی. مشخصات نشر : قم: نسل جوان ۱۳۶۸. مشخصات ظاهری : ۱۸۹ ص.؛ ۱۶/۵×۱۱/۵ س‌م. فروست : انتشارات نسل جوان ۲. شابک : ۲۷۵ ریال یادداشت : چاپ قبلی: نسل جوان، ۱۳۷۶(۱۸۴ ص.). یادداشت : چاپ بیست‌و یکم. موضوع : جوانان و اسلام موضوع : اسلام و مسائل‌جنسی موضوع : اخلاق اسلامی رده بندی کنگره : BP۲۳۰/۱۶۵/م‌۷۷م۵۳ ۱۳۶۸ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۳ شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۶۰۳۳۲

اشاره

«شهوت» در لغت دارای مفهوم عامی است که به هرگونه خواهش نفس و میل و رغبت به لذات مادی اطلاق می‌شود؛ گاهی علاقه شدید به یک امر مادی را نیز شهوت می‌گویند. مفهوم شهوت، علاوه بر مفهوم عام، در خصوص «شهوت جنسی» نیز به کار رفته است. واژه «شهوت» در قرآن کریم هم به معنی عام کلمه آمده است و هم به معنی خاص آن. در این بحث، نظر ما بیشتر به معنای خاص آن است، زیرا آثار مخرب و زیانبار آن بیش از سایر کشش‌های مادی است. «شهوت» نقطه مقابل «عفت» است. «عفت» نیز دارای مفهوم عام و خاص است. مفهوم عام آن، خویشتن داری در برابر هر گونه تمایل افراطی نفسانی است و مفهوم خاص آن، خویشتن داری در برابر تمایلات بی‌بند و بار جنسی است. «عفت» یکی از فضایل مهم اخلاقی در رشد و پیشرفت و تکامل جوامع انسانی است؛ اما شهوت که مقابل عفت قرار دارد، موجب سقوط فرد و جامعه می‌شود. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که اشخاص یا جوامعی که بهره کافی از عفت داشته‌اند، از نیروهای خداداد خود، بالاترین استفاده را در راه پیشرفت‌خود و جامعه خویش برده و در سطح بالایی از آرامش و امنیت زیسته‌اند، اما افراد یا جوامعی که در «شهوت‌پرستی» غرق شده‌اند، نیروهای خود را از دست داده و در معرض سقوط قرار گرفته‌اند. طبق نظر کارشناسان حقوقی، «شهوت جنسی» در ایجاد جرم و جنایت نقش عمده را دارد تا جایی که گفته شده است: «در هر جنایتی، شهوت جنسی نیز دخیل بوده است». شاید این تعبیر، مبالغه‌آمیز باشد، ولی به یقین منشا بسیاری از جنایات و انحرافات، طغیان «غریزه جنسی» و شهوت‌پرستی است. خون‌های بسیاری در این راه ریخته شده و اموال فراوانی برباد رفته، اسرار مهم کشورها به وسیله زنان جاسوسی که سرمایه و ترفند کارشان استفاده از زیبایی و آلودگی‌شان بوده، افشا شده و آبروی بسیاری از آبرومندان در این راه ریخته شده است. طبق بیان آیات و روایات در می‌یابیم که یکی از ابزارهای مهم شیطان همین «شهوت جنسی» است. در قرآن کریم در موارد مختلف به «عفت» و «شهوت‌پرستی» اشاره شده است که ما در ذیل به بررسی آنها می‌پردازیم: ۱- فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوه و اتبعوا الشهوت فسوف یلقون غیا * الا من تاب و آمن و عمل صالحا فاولئک یدخلون الجنه و لا یظلمون شیئا(سوره مریم، آیه ۶۰ و ۵۹) ۲- والله یرید ان یتوب علیکم و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلا عظیما(سوره نساء، آیه ۲۷) ۳- و لوطا اذ قال لقومه انکم لتاتون الفاحشه ما سبقکم بها من احد من العالمین* ائنکم لتاتون الرجال و تقطعون السبیل و تاتون فی نادیکم المنکر فما کان جواب قومه الا ان قالوا ائتنا بعذاب الله ان کنت من الصادقین (سوره عنکبوت، آیه ۲۹ و ۲۸) ۴- و لما جاءت رسلنا لوطا سیء بهم و ضاق بهم ذرعا و قال هذا یوم عصیب * و جاءه قومه یهرعون الیه و من قبل کانوا یعملون السیئات قال یا قوم هؤلاء بناتی هن اطهرلکم فاتقوا الله و لاتخزون فی ضیفی الیس منکم رجل رشید * قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و انک لتعلم ما نرید * قال لو ان لی بکم قوه او ءاوی الی رکن شدید * قالوا یا لوط انا رسل ربک لن یصلوا الیک فاسر باهلک بقطع من الیل و لایلتفت منکم احد الا امراتک انه مصیبها مآ اصابهم ان موعدهم الصبح الیس الصبح

بقریب * فلما جآء امرنا جعلنا علیها سافلها و امطرنا علیها حجاره من سجیل منضود * مسومه عند ربک و ما هی من الظالمین ببعید (سوره هود، آیه ۸۳ و ۷۷) ۵ ـ کذبت قوم لوط بالنذر * انا ارسلنا علیهم حاصبا الا ءال لوط نجینا هم بسحر (سوره قمر، آیه ۳۴ و ۳۳) ۶- و لوطا اذقال لقومه اتاتون الفاحشه ما سبقکم بها من احد من العلمین * انکم لتاتون الرجال شهوه من دون النسآء بل انتم قوم مسرفون * و ما کان جواب قومه الا ان قالوا اخرجوهم من قریتکم انهم اناس یتطهرون * فانجیناه و اهله الا امراته کانت من الغابرین ـ و امطرنا علیهم مطرا فانظر کیف کان عاقبه المجرمین (سوره اعراف، آیه ۸۴ و ۸۰) ترجمه: ۱- اما پس از آنان، فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را تباه کردند و از شهوات پیروی نمودند و به زودی (مجازات) گمراهی خود را خواهند دید! مگر آنان که توبه کنند و ایمان بیاورند و کار شایسته انجام دهند؛ چنین کسانی داخل بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به آنان نخواهد شد. ۲- خدا می‌خواهد شما را ببخشد (و از آلودگی پاک نماید)، اما آنها که پیرو شهواتند، می‌خواهند شما به کلی منحرف شوید. ۳- و لوط را فرستادیم، هنگامی که به قوم خود گفت: «شما عمل بسیار زشتی انجام می‌دهید که هیچ یک از مردم جهان پیش از شما آن را انجام نداده است. آیا شما به سراغ مردان می‌روید و راه (تداوم نسل انسان) را قطع می‌کنید و در مجلستان اعمال ناپسند انجام می‌دهید؟! » اما پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: اگر راست می‌گویی، عذاب الهی را برای ما بیاور!» ۴- و هنگامی که رسولان ما (فرشتگان عذاب) به سراغ لوط آمدند، از آمدنشان ناراحت‌شد و قلبش پریشان گشت و گفت: «امروز روز سختی است!» (زیرا آنها را نشناخت و ترسید، قوم تبهکار مزاحم آنها شوند). قوم او (به قصد مزاحمت میهمانان) به سرعت سراغ او آمدند ـ و قبلا کارهای بد انجام می‌دادند ـ گفت:«ای قوم من! این‌ها دختران منند، برای شما پاکیزه‌ترند (با آنها ازدواج کنید و از زشتکاری چشم بپوشید!)، از خدا بترسید و مرا در مورد میهمانانم رسوا نسازید. آیا در میان شما یک مرد فهمیده و آگاه وجود ندارد؟!» گفتند: «تو می‌دانی ما تمایلی به دختران تو نداریم و خوب می‌دانی ما چه می‌خواهیم!» گفت: («افسوس!) ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم، یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود! (آن گاه می‌دانستم با با شما زشت سیرتان ددمنش چه کنم!)» (فرشتگان عذاب) گفتند:«ای لوط! ما فرستادگان پروردگار توییم ؛ آنها هرگز دسترسی به تو پیدا نخواهند کرد! در دل شب، خانواده‌ات را (از این شهر) حرکت ده! و هیچ یک از شما پشت‌سرش را نگاه نکند، مگر همسرت که او هم به همان بلایی که آنها گرفتار می‌شوند، گرفتار خواهد شد! موعد آنها صبح است، آیا صبح نزدیک نیست؟! و هنگامی که فرمان ما فرا رسید، آن (شهر و دیار) را زیر و رو کردیم و بارانی از سنگ (گلهای متحجر) متراکم بر روی هم، بر آنها نازل نمودیم. (سنگ هایی که) نزد پروردگارت نشاندار بود و آن از (سایر) ستمگران دور نیست! ۵- قوم لوط انذارها (و هشدارهای پی در پی پیامبرشان) را تکذیب کردند.ما بر آنها تند بادی که ریگ‌ها را به حرکت در می‌آورد فرستادیم (و همه را هلاک کردیم)، جز خاندان لوط را که سحرگاهان نجاتشان دادیم! ۶- (و به خاطر آورید) لوط را، هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا عمل بسیار زشتی را انجام می‌دهید که هیچ یک از جهانیان، پیش از شما انجام نداده است؟! آیا شما از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید، نه زنان؟! شما گروه اسرافکار (و منحرفی) هستید» ولی پاسخ قومش چیزی جز این نبود که گفتند: «این‌ها را از شهرتان بیرون کنید که این‌ها مردمی هستند که پاکدامنی را می‌طلبند (و با ما هم صدا نیستند!) (چون کار به این‌جا رسید) ما او و خاندانش را رهایی بخشیدیم، جز همسرش که از بازماندگان (در شهر) بود. و (سپس چنان) بارانی (از سنگ) بر آنها فرستادیم (که آنها را در هم کوبید و نابود ساخت.) پس بنگر که سرانجام کار مجرمان چه شد!

بلای شهوت‌پرستی در طول تاریخ

در نخستین آیه، بعد از ذکر نام گروهی از پیامبران الهی و صفات برجسته و والای آن بزرگواران، می‌فرماید: «ولی بعد از آنها، فرزندان ناشایسته‌ای روی کار آمدند که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی نمودند و به زودی (مجازات) گمراهی خود را

خواهند دید؛ فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوه و اتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا». (۱) و بلافاصله بعد از آن ـ به عنوان یک استثناء ـ می‌فرماید: «مگر آنها که توبه کردند و ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، چنین کسانی داخل بهشت می‌شوند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد؛ الا من تاب و آمن و عمل صالحا فاولئک یدخلون الجنه و لا یظلمون شیئا». (۲) شایان توجه این که بعد از مساله ضایع کردن نماز، سخن از پیروی «شهوات» و به دنبال آن، گمراهی به میان آمده است. این تعبیر حساب شده از یک سو اشاره به آن است که نماز، عامل مهمی برای شکستن «شهوات» و خود کامگی‌ها و هواپرستی‌هاست ؛ همان طور که در آیه ۴۵ سوره عنکبوت آمده: «...ان الصلوه تنهی عن الفحشاء و المنکر» و از سوی دیگر نشان می‌دهد که سرانجام «شهوت‌پرستی»، گمراهی و ضلالت است، همان گونه که در آیه ۱۰ سوره روم آمده است: «ثم کان عاقبه الذین اسائوا السوء ان کذبوا بآیات الله و کانوا بها یستهزئون؛ سپس سرانجام کار کسانی که اعمال بد مرتکب شدند به این‌جا رسید که آیات خدا را تکذیب کردند و آن را به مسخره گرفتند!» آری! آنها گمراه می‌شوند و به کیفر گمراهی خود ؛ یعنی، آتش قهر و غضب الهی گرفتار خواهند شد. روشن است که «شهوات» در این‌جا مفهوم وسیعی دارد و منحصر به «شهوت جنسی» نیست، بلکه هر گونه تمایل افراطی نفسانی و هواپرستی را شامل می‌شود. البته کسانی که توبه کنند و ایمان خود را که به خاطر گناه ضربه دیده است تجدید نموده و به سراغ اعمال صالح بروند، اهل بهشت‌خواهند بود و آثار تضییع نماز و پیروی شهوات از وجودشان برچیده خواهد شد. در دومین آیه، ضمن بیان مقابله آشکار میان «بازگشت‌به سوی خدا» و «پیروی از شهوات»، و اشاره به این که این دو موضوع در دو جهت مخالف، حرکت می‌کنند، می‌فرماید:«خدا می‌خواهد توبه شما را بپذیرد و شما را ببخشد و از آلودگی پاک سازد ؛ اما آنها که پیرو شهواتند، می‌خواهند شما به کلی (از راه حق) منحرف شود ؛ و الله یرید ان یتوب علیکم و یرید الذین یتبعون الشهوات ان تمیلوا میلا عظیما». (۳) آری! آنها که غرق گناه و شهوتند، می‌خواهند دیگران را نیز هم‌رنگ خود سازند و از سر تا پا آلوده گناه کنند ؛ در حالی که خداوند می‌خواهد مردم با ترک شهوات به سوی او بازگردند و غرق معرفت و نور و صفای تقوا و قرین سعادت و خوشبختی شوند. به گفته مفسران بزرگ، منظور از «میل عظیم»، هتک حدود الهی و آلوده شدن به انواع گناهان است. بعضی نیز آن را به معنی ازدواج با محارم و مانند آن ـ که در آیات قبل، از آن نهی شده است ـ تفسیر کرده‌اند که در واقع یکی از مصادیق مفهوم بالاست. لازم به یادآوری است که پیروی از شهوات در این آیه، ممکن است دارای همان مفهوم عام باشد و نیز ممکن است اشاره به «شهوت جنسی» باشد ؛ زیرا این آیه بعد از آیاتی قرار گرفته که حرمت ازدواج با محارم و زنان شوهردار و کنیزان (آلوده به اعمال منافی عفت) را بیان کرده است. به هر حال این آیه، گواه روشنی است‌به این که راه «شهوت‌پرستی» از راه «خداپرستی» جدا بوده و این دو در مقابل هم قرار دارند. آیات سوم، چهارم، پنجم و ششم، از آیات مورد بحث، ناظر به داستان قوم لوط و «شهوت‌پرستی» آنهاست ؛ شهوتی آمیخته با انحرافات جنسی که در تمام تاریخ آمده است. هر بخش از این آیات، نکته خاصی را تعقیب می‌کند که ما به طور اجمال به آنها اشاره می‌کنیم: سومین آیه، گفتار حضرت لوط(ع) را بیان می‌کند که قوم خود را مورد سرزنش شدید قرار داد: «لوط را فرستادیم، در آن هنگام که به قوم خود گفت: شما کار بسیار شنیعی انجام می‌دهید که هیچ کس از جهانیان، قبل از شما آن را انجام نداده است ؛ و لوطا اذ قال لقومه انکم لتاتون الفاحشه ما سبقکم بها من احد من العالمین». (۴) «فاحشه» واژه‌ایست که به هر کار بسیار زشت اطلاق می‌شود، هر چند در تعبیرات متعارف بیشتر به «فحشاء جنسی» اطلاق می‌گردد. تعبیر آیه فوق، نشان می‌دهد که در جامعه بشری «هم جنس گرایی» از قوم لوط(ع) شروع شد و تا آن زمان سابقه نداشت. در ادامه آمده است: «آیا شما به سراغ مردان می‌روید و راه تداوم نسل انسان را قطع می‌کنید و در مجلس خود، اعمال زشت (دیگر نیز) انجام می‌دهید؟! ؛ ائنکم لتاتون الرجال و تقطعون السبیل و تاتون فی نادیکم المنکر...» (۵) در این تعبیر یکی از علت‌های مهم تحریم «هم جنس گرایی» را قطع نسل بشر می‌داند؛ زیرا هنگامی که این عمل زشت اخلاقی به شکل فراگیر درآید، خطر انقطاع نسل بشر، جامعه بشری را تهدید می‌کند. بعضی از مفسران، جمله «و تقطعون السبیل» آیه فوق را، اشاره به راهزنی و دزدی قوم لوط دانسته‌اند

و بعضی اشاره به مزاحمت‌های جنسی می‌دانند که به عمد برای راهگذران به وجود می‌آوردند! «نادی» از ماده «ندا» به معنی مجلس عمومی یا مجلس تفریح است ؛ زیرا در آن‌جا افراد یکدیگر را «ندا» می‌کنند. گرچه قرآن کریم، در این‌جا شرح نداده که آنها در جلسات تفریحی خود، چه منکرات دیگری را انجام می‌دادند، ولی پیداست که اعمالی متناسب با همان عمل شنیعشان بوده است. در روایات آمده است، آنها در حضور جمع بدن‌های خود را برهنه می‌کردند، فحش‌های رکیک می‌دادند و کلمات زشت و بسیار زننده رد و بدل می‌نمودند و حرکات ناشایست دیگری داشتند که قلم از ذکر آنها شرم دارد. آنها چنان، غرق در شهوت بودند که خدا و همه ارزش‌های اخلاقی و انسانی را به باد مسخره می‌گرفتند ؛ به همین دلیل، هنگامی که پیامبرشان حضرت لوط(ع) از روی تعجب و انکار سؤالی از عمل شنیعشان نمود، «پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: اگر راست می‌گویی، عذاب الهی را برای ما بیاور! ؛...فما کان جواب قومه الا ـ ان قالوا ائتنا بعذاب الله ان کنت من الصادقین. (۶) و به این ترتیب عذاب الهی را نیز به سخریه گرفتند. در چهارمین بخش از این آیات به گوشه دیگری از داستان قوم لوط اشاره می‌کند:«وآن زمانی است که فرشتگان الهی(که مأمور عذاب قوم لوط بودند در چهره جوانان زیبایی) به سراغ حضرت لوط علیه السلام آمدند و او(که آنها را نمی‌شناخت) از مشاهده آنان سخت ناراحت شد وقلبش پریشان گشت و(پیش خود گفت:)امروز روز سختی است،زیرا ممکن است،این قوم زشت سیرت، حرمت میهمان‌های مرا نشناسند و قصد تجاوز به آنان را داشته باشند!، و لماجاءت رسلنا لوطا سیء بهم و ضاق بهم ذرعا و قال هذا یوم عصیب». (۷) (و در این هنگام،اشرار قوم با خبر شدند «و به سرعت‌به سراغ او آمدند(و قصد سویی‌نسبت‌به میهمان او داشتند)و پیش از آن نیز اعمال بدی انجام می‌دادند(و این کار، یعنی، تجاوز به میهمانان از آنها بعید نبود!، و جاءه قومه یهرعون الیه و من قبل کانوا یعملون‌السیئات... » (۸) ولی آن قوم کثیف و زشت‌سیرت،نه تنها در برابر این همه بزرگواری حضرت‌لوط علیه السلام حیاء نکردند،بلکه بی‌شرمانه پاسخ گفتند: «تو خود می‌دانی، ما را به دختران توحقی نیست(و به جنس زن علاقه‌ای نداریم!)تو به خوبی می‌دانی که ما چه چیز می‌خواهیم!، قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و انک لتعلم و ما نرید» (۹) همان گونه که در ادامه این آیات آمده است‌حضرت لوط علیه السلام متوجه شد که آنهافرستادگان پروردگارند، هیچ کس نمی‌تواند کمترین آسیبی به آنها برساند. فرشتگان به‌حضرت لوط علیه السلام خبر دادند که فردا صبح عذاب هولناکی به سراغ این قوم می‌آید وشهرهای آنها به کلی زیر و رو می‌شود و بارانی از سنگ‌های آسمانی بر آنها فرومی‌ریزد،به حضرت لوط علیه السلام دستور دادند که شبانه به اتفاق خانواده‌اش-به استثنای همسرش که از تقوا بی‌بهره بود-آن شهرها را ترک کنند که صبحگاهان عذاب الهی فرامی‌رسد. در پنجمین بخش از آیات، ضمن اشاره به مجازات شدید این قوم ننگین زشت‌سیرت می‌فرماید:«قوم لوط،انذارها و هشدارهای مکرر (پیامبرشان) را تکذیب کردند.ما بر آنها تندبادی که ریگ‌ها را به حرکت در می‌آورد، فرستادیم (و همه را زیر آن مدفون ساختیم)،جزخاندان لوط که آنها را سحرگاهان نجات دادیم، (به استثنای همسرش که مشمول مجازات قوم گنه‌کار شد)، کذبت قوم لوط بالنذر*انا ارسلنا علیهم حاصبا الا آل لوط نجیناهم‌بسحر». (۱۰) البته این بخشی از مجازات دردناک آنها بود،زیرا در قرآن آمده است که:«نخست‌زلزله‌ای ـ به امر ما ـ آمد و سرزمین آنها را زیر و رو کرد، آن چنان که قسمت‌های بالا در پایین و قسمت‌های پایین در بالا قرار گرفت، فلما جاء امرنا جعلنا عالیها سافلها. .. (۱۱) «و بارانی از سنگ بر آنها فرو فرستادیم، ...و امطرنا عالیها حجاره من سجیل منضود». (۱۲) این باران سنگ، ممکن است بخشی از سنگ‌های سرگردان آسمانی بوده که به فرمان پروردگار الهی بر فراز آسمان شهر آنها ظاهر گشته و بر ویرانه‌ها و اجساد بی‌جان آنان باریده است. احتمال دیگر این است که «حاصب» به معنای «طوفان شن» باشد. این طوفان گاهی تپه‌هایی را از یک گوشه بیابان برداشته و به آسمان می‌برد، سپس در نقطه‌ای دیگر، مانندبارانی فرو می‌ریزاند، به طوری که گاهی قافله‌ها، زیر انبوهی از شن و ماسه مدفون می‌گشت! حال این نکته قابل تامل است که هر چند، گاهی طوفان‌های شن یا باران‌های سنگ در جهان طبیعت روی می‌دهد، ولی خداوند متعال فرمان داده بود که این حوادث درآن ساعت مخصوص و معین ـ که فرشتگان حضرت لوط علیه السلام را خبر داده

بودند ـ واقع گردد. ---
-- (۱) . مریم/ ۵۹. (۲) . مریم/ ۶۰. (۳) . نساء/ ۲۷. (۴) . عنکبوت/ ۲۸. (۵) . عنکبوت/ ۲۹. (۶) . عنکبوت/ ۲۹. (۷) . هود/ ۷۷. (۸) . هود/ ۷۸. (۹) . هود/ ۷۹ (۱۰) . قمر/ ۳۴ و ۳۵. (۱۱) . هود/ ۸۲. (۱۲) . هود/ ۸۲. احتمال دیگری نیز وجود دارد که ممکن است، نخست زلزله‌ای سهمگین، شهرهای آنها را زیر و رو کرده و سپس بارانی از سنگ‌های آسمانی بر سرشان فرو ریخته و آنگاه طوفانی از شن، آثار آنها را؛ه‌ه محو و نابود کرده باشد که این عذاب‌های سه گانه، بیانگر شدت خشم الهی، نسبت به این قوم رو سیاه است. در ششمین و آخرین بخش از آیات، ضمن اشاره فشرده و مختصر به تمام ماجرای قوم لوط ـ از آغاز تا پایان ـ می‌فرماید: «به خاطر آورید «لوط» را، هنگامی که به قوم خودگفت:آیا عمل شنیعی انجام می‌دهید که هیچ کس از جهانیان پیش از شما آن را انجام نداده‌بود؟!، و لوطا اذ قال لقومه ا تاتون الفاحشه ما سبقکم بها من احد من العالمین». (۱) آری!شما از روی شهوت به سراغ مردان می‌روید،نه زنان، شما جمعیت تجاوزکاری هستید،زیرا قوانین و سنت‌های الهی را رها کرده و راه انحراف را پیش گرفته‌اید، راهی که سبب نابودی نسل و شیوع انواع بیماری‌های و مفاسد دیگر اجتماعی می‌شود. گر چه بیماری وحشتناک «ایدز» یکی از هولناکترین بیماری‌های عصر ما شناخته شده، ولی بعید نیست که این بیماری در آن زمان نیز وجود داشته و گروهی از قوم لوط به‌آن گرفتار شده بودند.به همین علت خداوند حکیم و رحیم، اجساد آنها را زیر خروارها سنگ و شن دفن کرد تا این امر، هم درس عبرتی برای دیگران بوده و هم مایه نعمتی که‌همان جلوگیری از انتشار و سرایت این بیماری به دیگران بوده است. به هر حال،آن قوم آلوده، به قدری بی‌شرم بودند که نه تنها به سخن حضرت لوط علیه السلام گوش ندادند، بلکه خواستار اخراج او و خاندانش ـ به جرم پاکی از آلودگی‌های شایع در میانشان ـ از آبادی‌ها شدند. قرآن کریم در ادامه این آیات به آن اشاره دارد: وما کان جواب قومه الا ـ ان قالوا اخرجوهم من قریتکم انهم اناث یتطهرون». (۲) «ما لوط و خاندانش را ـ به جز همسرش که از بازماندگان (در شهر) بود، نجات بخشیدیم، سپس بارانی (از سنگ) بر آنها فرو فرستادیم (و همه را نابود کردیم و مدفون ساختیم). اکنون بنگر، سرانجام کار مجرمان چگونه بود، فانجیناه و اهله الا ـ امراته کانت من الغابرین ـ وامطرنا علیهم مطرا فانظر کیف کان عاقبه المجرمین». (۳) آری!آنها چنان آلوده بودند که بی‌گناهی و پاکدامنی را گناه می‌دانستند! و پاکان رابه جرم پاکی محکوم به تبعید و راندن از خانه و زندگیشان می‌کردند. هر چند قبل ازانجام این کار،به غضب الهی گرفتار و نابود شدند. بخش مهمی از این آیات، ضمن بیان عواقب هوسبازی و هوا پرستی و شهوترانی ـ به مفهوم عام و خاصش –،این عمل ناشایسته و پست اخلاقی را که سرچشمه گناهان واثرات مخرب اجتماعی بی‌شماری است، سخت نکوهش می‌نماید. -----------------------------
--- (۱) . اعراف/ ۸۰. (۲) . اعراف/ ۸۲. (۳) . اعراف/ ۸۳ و ۸۴.

شهوت پرستی در روایات اسلامی (۱)

این مساله در منابع روایی اسلام،مورد توجه فراوان قرار گرفته است که بیشتر آنهابیانگر هشدار،درباره پیامدهای خطرناک آن است. این احادیث تکان دهنده،هرخواننده‌ای را تحت تاثیر عمیق قرار داده و روشن می‌سازد که آلودگی به «شهوت» ـ خواه‌به مفهوم عام و خواه به مفهوم خاص آن ـ از موانع اصلی سعادت و کمال انسان‌ها و از اسباب مهم گسترش گناه و جنایت در جامعه بشری است که در ذیل، به بعضی از آن‌احادیث اشاره می‌شود: ۱– پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:«ما تحت ظل السماء من اله یعبد من دون الله اعظم‌عند الله من هوی متبع،در زیر آسمان معبودی جز خدا پرستیده نشده است که در پیشگاه‌خدا،بدتر از هوا و هوسی باشد که انسان را به دنبال خود می‌کشاند». (۲) به این ترتیب،روشن می‌شود که«شهوت»و هوای نفس از خطرناکترین عوامل‌انحراف انسان به سوی زشتی‌هاست. ۲– امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام می‌فرمایند: «الشهوات سموم قاتلات، شهوت‌ها، زهرهای کشنده است» (۳) ۳– در حدیث دیگری از همان امام بزرگوار علیه السلام آمده است: «الشهوات مصائدالشیطان، شهوات

دام‌های شیطان است». (۴) (که انسان‌ها را به وسیله آن در هر سن و سال‌و در هر زمان و مکان صید می‌کند). ۴- همان حضرت علیه السلام در جای دیگر می‌فرمایند: «امنع نفسک من الشهوات تسلم‌من الآفات،اگر می‌خواهید از آفات در امان باشید، خویشتن را از تسلیم شدن در برابر شهوات بازدارید». (۵) ۵- در حدیث دیگری نیز از همان پیشوای پرهیزکاران جهان آمده است: «ترک‌الشهوات افضل عباده و اجمل عاده ،ترک شهوت‌ها، برترین عبادت و زیباترین عادت‌است». (۶) ۶- امام صادق علیه السلام می‌فرماید:«من ملک نفسه اذا غضب و اذا رغب و اذا رهب و اذااشتهی،حرم الله جسده علی النار، کسی که به هنگام غضب و تمایل و ترس و شهوت، ملک نفس خویش باشد،خداوند جسد او را بر آتش دوزخ حرام می‌کند». (۷) ۷- امیر مؤمنان علی علیه السلام در حدیث دیگری می‌فرمایند: «ضادوا الشهوه مضاده الضد ضده و حاربوها محاربه العدو العدو، با خواهش‌های نفسانی در تضاد باشید، همچون تضاد دو ضد با یکدیگر و با آن به پیکار برخیزید (مانند) پیکار دشمن با دشمن». (۸) این سخن با صراحت، این حقیقت را بازگو می‌کند که «شهوت پرستی» درست مقابل «سعادت» و خوشبختی انسان قرار گرفته است. پیامدهای شهوت‌پرستی در کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام درباره پیامدهای شهوت پرستی و پیروی از هوای نفس، تعبیرات دقیق، حساب شده و تکان دهنده‌ای در احادیث اسلامی دیده می‌شود که در این بحث تنها به کلام پیشوای متقیان حضرت علی علیه السلام اشاره می‌شود: ۱- امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند: «اهجروا الشهوات فانها تقودکم الی رکوب‌الذنوب و التهجم علی السیئات، از شهوات سرکش بپرهیزید که شما را به ارتکاب انواع گناهان و هجوم بر معاصی می‌کشاند». (۹) ۲- این مساله گاهی به قدری شدید می‌شود که به کلی دین انسان را بر باد می‌دهد، چنان که در حدیث دیگری می‌فرمایند: «طاعه الشهوه تفسد الدین، فرمانبرداری ازشهوات نفسانی، دین انسان را فاسد می‌کند». (۱۰) ۳- آن حضرت در تعبیر دیگری می‌فرمایند: «طاعه الهوی تفسد العقل، هوا پرستی عقل انسان را فاسد می‌کند». (۱۱) ۴- در جای دیگر می‌فرمایند:«الجاهل عبد شهوته، انسان نادان بنده شهوت خویش‌است». (۱۲) یعنی،انسان جاهل مثل برده خوار و ذلیلی است که در برابر شهوت خویش، هیچ اختیاری از خود ندارد. ۵- در تعبیر دیگر می‌فرمایند:«عبد الشهوه اسیر لا ینفک اسره،برده شهوت چنان اسیر است که هرگز روی آزادی را نخواهد دید». (۱۳) ۶- آن حضرت علیه السلام در این که سرانجام «شهوت پرستی»، رسوایی است، می‌فرمایند: «حلاوه الشهوه ینغصها عار الفضیحه، شیرینی شهوت را ننگ رسوایی از میان می‌برد». (۱۴) ۷-در تعبیر دیگری،شهوت پرستی را کلید انواع شرها می‌دانند: «سبب الشر غلبه الشهوه (۱۵) سبب شر، غلبه شهوت است». با توجه به این که «الشر» با الف و لام جنس و به صورت مطلق ذکر شده است، معنای عموم را می‌رساند که این امر بیانگر آن است که «شهوت پرستی»، سرچشمه تمام شرها و بدبختی‌هاست. ۸- در جای دیگر ضمن اشاره به این نکته که غلبه هوا و هوس، سبب بسته شدن راه‌های سعادت بشری شده و او را در گمراهی نگاه می‌دارد، می‌فرمایند: «کیف یستطیع‌الهدی من یغلبها الهوی، چگونه می‌تواند انسان به هدایت برسد، در حالی که هوای نفس براو غالب گردیده است». (۱۶) ۹- آن حضرت در سخن دیگری، غلبه شهوات را باعث تضعیف شخصیت انسان می‌دانند: «من زادت شهوته قلت مروته، کسی که شهوات او فزونی یابد، شخصیت انسانی او کم می‌شود». (۱۷) ۱۰- در بیان دیگری به این حقیقت اشاره می‌کند که راه بهشت، راه «شهوت پرستان» نیست: «من اشتاق الی الجنه سلا عن الشهوات، کسی که مشتاق بهشت‌باشد بایدشهوت پرستی را فراموش کند» (۱۸) ۱۱- در جای دیگر این نکته را گوشزد می‌کند که حکمت و آگاهی با شهوت پرستی‌سازگار نیست: «لا تسکن الحکمه قلبا مع شهوه، حکمت و دانش در قلبی که جای شهوت پرستی است،ساکن نمی‌شود». (۱۹) ---

------------------------- (۱) . اخلاق در قرآن جلد دوم صفحه ۲۴۹. (۲) . الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۶۱ به نقل از میزان الحکمه ، ج ۴، ص ۳۴۷۸، شماره ۲۱۴۰۰. (۳) . غرر الحکم، حدیث ۸۷۶. (۴) . غرر الحکم، حدیث ۲۱۲۱. (۵) . غرر الحکم، حدیث ۲۴۴۰. (۶) . همان، حدیث ۴۵۲۷. (۷) . بحار الانوار،ج ۷۵، ص ۲۴۳. (۸) . شرح غرر الحکم، حدیث ۵۹۳۴. (۹) . غرر الحکم،حدیث ۲۵۰۵. (۱۰) . شرح غرر الحکم،حدیث ۵۹۸۵. (۱۱) . همان، حدیث ۵۹۸۳. (۱۲) . غرر الحکم، حدیث ۴۴۹. (۱۳) .

غرر الحکم، حدیث ۶۳۰۰. (۱۴) . غرر الحکم، حدیث ۴۸۸۵. (۱۵) . شرح غرر الحکم، حدیث ۵۵۳۳. (۱۶) . همان،حدیث ۷۰۰۱، ص ۵۶۶ غررالحکم. (۱۷) . همان، حدیث ۸۰۲۲. (۱۸) . همان، حدیث ۸۵۹۱. (۱۹) . همان، حدیث ۱۰۹۱۵.

معنی شهوت

از بحث‌های قبل روشن شد که «شـهوت» دارای مفهوم عام و وسـیعی بوده و شامل هر گونه دوست داشـتن، تمایل و رغبت به درک لذت و خواهش نفس می‌شود. بدون این که اختصاص به شـهوت جنسـی داشـته باشد، گرچه گاهی در خصوص شـهوت جنسی نیز به‌کار رفته است. در قرآن مجید نیز این مفهوم در یازده مورد به صورت عام استفاده شده است و تنهادر دو مورد در معنی خاص آن به کـار رفته است. در روایـات اسـلامی و کلمـات علمای‌اخلاـق نیز اغلب در مفهوم عام به کار رفته که در مقابل آن واژه «عفت» به معنی خویشـتن‌داری و چشم پوشـی از لذایـذ گنـاه آلوده مـادی به کـار می‌رود. این مفهوم بیشتر در موارد منفی به کـار می‌رود، اما گاهی در موارد مثبت نیز به کاررفته است،مانند،آن جایی که خداوند خطاب به بهشتیان می‌فرماید:«... و لکم فیها ماتشـتهی انفسـکم ...،هر چه را دوست‌بدارید و به آن تمایل داشته باشـید، در بهشت‌برای شـمافراهم است». (۱) یا آن جایی که می‌فرماینـد:«... فیها ما تشـتهیه الانفس و تلـذ الاعین ...،دربهشت آنچه دل‌ها می‌خواهـد و چشم از آن لذت می‌برد،موجود است». (۲) به هر حال این واژه، بیشـتر دارای بـار منفی بـوده و در مـواردی که هـوا و هـوس افراطی بر انسـان چیره گشـته و تمایلاـت ویرانگر و گنـاه آلـود بر تمـام وجودش مسـتولی گردد به‌کار می‌رود. این واژه و مشـتقات آن، در قرآن مجیـد، سـیزده مورد به کار رفته که شـش مورد آن دارای مفهوم مثبت و هفت مورد آن دارای مفهوم منفی است. به هر حال «شـهوت» به هر معنی که باشد، هرگاه مفهوم خاص آن که همان خواست‌های افراطی و شهوانی است مورد نظر باشد، آثار زیانباری به دنبال خواهد داشت که به وضوح قابل مشاهده است که ضمن توجه به روایات وارده، باید اذعان داشت که سر تا سر تاریخ نیز مملو از پیامدهای نامطلوب شهوت پرستی‌هاست . ------------ -- (۱) . فصلت/ ۳۱. (۲) . زخرف/ ۷۱.

آثار زیانبار شهوت پرستی

۱– آلودگی به گناه

شهوت پرسـتی انسـان را به سوی انواع گناهـان می‌کشانـد و در واقع یکی ازسرچشـمه‌های اصـلی گنـاه و معصـیت و نافرمـانی خـدا محسوب می‌گردد،زیرا چشم وگوش انسان را بسـته و به مصـداق حـدیث نبوی «حبک للشـیء یعمی و یصم. (۱)آدمی راکور و کر کرده و قـدرت درک واقعیت‌هـا را از او می‌گیرد و در چنیـن حـال،زشتی‌هـا درنظر او زیبـا و زیبایی‌هـا در نظر او زشـت و بی‌رنگ می‌شود. به همین دلیل، در روایات سابق(روایت هشـتم) خواندیم که امیر مؤمنان علیه السـلام درباره پیروی از شهوات هشدار داده و می‌فرماید: «از شـهوات سـرکش بپرهیزید که شـما را به‌ارتکاب انواع گناهان می‌کشاند». در حدیث دهم،از همان حضرت نیز به این نکته اشاره شد که: «هواپرستی عقل‌انسان را فاسد می‌کند»و در حدیث نهم نیز فرمودند (اگر شهوت پرستی تشدید شود): «دین‌انسان را بر بـاد می‌دهـد و حتی انسـان را به بت پرستی می‌کشانـد». در این رابطه مفسـران وارربـاب حـدیث، در ذیـل آیات ۱۶ و ۱۷ سوره حشـر،داسـتانی درباره عابـدی از قوم بنی اسـرائیل به نام «برصـیصا» آورده‌انـد که شاهـد زنـده‌ای برای این مدعاست، داسـتان‌گر چه معروف اسـت، امـا تکرارش خـالی از صـواب نیست: ...مرد عابـد بنی اسـرائیلی به خـاطر سال‌هـا عبـادتش، به آن حـد از مقـام قرب الهی‌رسـیده بود که بیماران با دعای او سلامت خود را باز می‌یافتند و به اصطلاح مستجاب‌الدعوه شده بود. روزی، زن جوان زیبایی

را که بیمار بود، نزد او آوردند و به امید شفاء در عبادتگاه‌او گذاردند و رفتند. شیطان به وسوسه آن عابد مشغول شد و آن قدر صحنه گناه را در نظرش زینت داد که عنان اختیار را از کف او ربود، آن چنان که گویا عابد کر و کور گشته و همه چیز را به دست فراموشی سپرده است. دیری نپایید که آن عابد دامان «عفت» خویش را به گناه بیالود. پس ارتکاب گناه به خاطر این که احتمال داشت آن زن باردار شود و موجب رسوایی او گردد، باز شیطان و هوای نفس به او پیشنهاد کرد که زن را به قتل رسانده و درگوشه‌ای از آن بیابان وسیع دفن کند. هنگامی که برادران دختر، به سراغ خواهر بیمار خویش آمدند و عابد اظهار بی‌اطلاعی کرد، آنان نسبت به عابد مشکوک گشته و به جستجو برخاستند و پس ازمدتی، سرانجام جسد خونین خواهر خویش را در گوشه بیابان از زیر خاک بیرون کشیدند. این خبر در شهر پیچید و به گوش امیر رسید. او با گروه زیادی از مردم به سوی عبادتگاه آن عابد حرکت کرد تا علت این قتل را بیابد. هنگامی که جنایات آن عابد روشن شد، او را از عبادتگاهش فرو کشیدند تا بر دار بیاویزند. در ادامه این حکایت آمده است: هنگامی که عابد در کنار چوبه دار قرار گرفت، شیطان در نظرش مجسم شد و گفت: من بودم که با وسوسه‌های خویش تو را به این روز انداختم، حال اگر آنچه را که من می گویم، اطاعت کنی، تو را نجات خواهم داد. عابد گفت: چه کنم؟ شیطان گفت: تنها یک سجده برای من کافی است. عابد گفت: می‌بینی که طناب دار را بر گردن من افکنده‌اند و من در این حال توانایی سجده بر تو را ندارم. شیطان گفت: اشاره‌ای هم کفایت می کند. عابد بیچاره نادان، پس از این که با اشاره، سجده‌ای بر شیطان کرد، طناب دار گلویش را فشرد و او در دم جان سپرد. آری! شهوت پرستی باعث شد تا آن عابد، ابتدا به زنا آلوده شود و سپس قتل نفس انجام دهد و بعد دروغ بگوید و سرانجام مشرک گردد و بدین ترتیب محصول سال‌ها عبادت او بر باد رفته و نزد خاص و عام رسوا شود. همه رنج جهان از شهوت آید که آدم زان برون از جنت آید(۲) ----------
-- (۱) . بحارالانوار ج ۷۴،ص ۱۶۵. (۲) . ناصر خسرو

۲- فساد عقل

شهوت پرستی،پرده‌های ضخیمی بر عقل و فکر انسان می‌اندازد، حق را در نظر او باطل و باطل را در نظر او، حق جلوه می‌دهد. در روایات گذشته نیز بیان داشتیم که: «طاعه الهوی تفسد العقل،هوا پرستی عقل را فاسد می کند». (۱) به همین دلیل بسیاری ازشهوت پرستان به هنگام غلبه شهوت، کارهایی انجام می‌دهند که بعد از فرو نشستن آتش شهوت، از آن عمل خویش سخت پشیمان شده و گاه تعجب می کنند که چگونه دست به انجام آن کار احمقانه و غلط زده‌اند. در حدیث دیگری امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند: «اذا ابصرت العین الشهوه عمی‌القلب عن العاقبه، هنگامی که چشم، مظاهر شهوت را ببیند، عقل از مشاهده عاقبت کارباز می‌ماند» (۲) --

(۱) . شرح غرر الحکم، حدیث ۵۹۸۳. (۲) . همان مدرک، حدیث ۴۰۶۳.

۳- تضعیف شخصیت اجتماعی انسان

شهوت پرستی، شخصیت و احترام اجتماعی انسان را در هم می‌شکند و او را به ذلت‌می کشاند،زیرا برای کامیابی‌های شهوانی باید تمام قید و بندهای اجتماعی را شکست وتن به هر پستی داد. بدیهی است که انسان با شخصیت، در کشاکش شهوات، بر سردو راهی قرار می گیرد که یا باید به خواست‌های شهوانی دل خویش برسد، یا شخصیت واحترام اجتماعی خود را حفظ نماید که اغلب جمع میان این دو غیر ممکن است! در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام آمده است: «زیاده الشهوه تزری بالمروه،افزون شدن شهوت، شخصیت انسان را لکه‌دار می کند». (۱) ---

-------------------- (۱) . همان، حدیث ۵۵۰۷.

۴-اسارت نفس

اسارت و بندگی در برابر خواست‌های نفسانی، یکی دیگر از پیامدهای شهوت پرستی است،زیرا انسان شهوت پرست چنان اسیر شهوات خود می‌شود که بازگشت و دوری جستن از آنها، برایش مشکل و گاهی نیز غیر ممکن می‌گردد. نمونه بارز آن، زندگی خفت‌بار معتادان به مواد مخدر است که در ظاهر آزادند، ولی از هر اسیری، اسیرترند. زنجیر اعتیاد ناشی از شهوت پرستی نیز آن چنان دست وپای انسان را می‌بندد که گویا هر گونه حرکت و تلاش برای دوری جستن از خواست‌های رذیله، بسیار مشکل می‌گردد، مخصوصا اگر هوا پرستی، به سر حد عشق‌های جنون‌آمیز جنسی برسد که در این حال اسارت انسان به اوج خود می‌رسد. حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند: «عبد الشهوه اسیر لا ینفک‌اسره، بنده شهوت چنان اسیر است که هرگز روی آزادی را نخواهد دید». (۱) آن حضرت در تعبیر دیگری نیز می‌فرمایند: «و کم من عقل اسیر تحت هوی امیر، چه بسیار عقلها و خردها که شهوات بر آن حکومت می‌کند». (۲) باز در حدیث دیگری می‌فرمایند: «الشهوات تسترق الجهول، شهوت‌ها، افراد نادان‌را برده خود می‌سازند.» (۳) --

------------- (۱) . غررالحکم، حدیث ۶۳۰۰ (۲) . نهج‌البلاغه، کلمات قصار، حدیث ۲۱۱. (۳) . نهج‌البلاغه، حدیث ۹۲۲.

۵-رسوایی و بی‌آبرویی

رسوایی، یکی دیگر از پیامدهای شهوت پرستی است. تاریخ بشر مملو از شرح زندگی کسانی است که در جامعه دارای مقام و موقعیت ممتاز بودند، ولی هنگامی که‌اسیر «شهوت» و هوای نفس شدند، کارشان به رسوایی کشید. در اشعار شعرا نیز رابطه «عشق» و «رسوایی» یک رابطه معروف و مشهور است. (۱) رسوای عالمی شدم از فرط عاشقی در داستان یوسف و همسر عزیز مصر نشان می‌دهد که چگونه همسر عزیز مصر با وجود احترام فراوان-به علت هواپرستی ـ رسوای خاص و عام شد. یوسف به صبر خویش پیمبر شد رسوا شتاب کرد زلیخا را (۲) و به گفته شاعر عرب: ان الهوای هو الهوان قلب اسمه فاذا هویت فقد لقیت هوانا (۳) هوا پرستی همان پستی است که نام آن تغییر یافته، به همین دلیل هر هوا پرستی پست می‌شود. ------------------------------

-- (۱) . بر سر میدان رسوایی عشق عالمی را همچو شیدایی ببین(عطار) عاشقان را چه غم از سرزنش دشمن و دوست یا غم دوست خورد یا غم رسوایی را(سعدی) (۲) . ناصر خسرو. (۳) . ادب الدنیا و الدین.

کنترل شهوات

بارها در مباحث مشابه گفته‌ایم که برای درمان مفاسد اخلاقی، باید نخست علل وریشه‌ها و اسباب آن را بیابیم. بزرگان علم اخلاق نیز، در مباحث این علم،به بحث ازانگیزه‌ها، اهمیت فوق‌العاده‌ای داده‌اند، به همین دلیل لازم است بحث دقیقی در مورد عوامل شهوت پرستی داشته باشیم. امیال و خواسته‌های درونی که از آن به شهوات تعبیر می‌شود، ـ مخصوصا شهوت جنسی ـ یک امر طبیعی و خدادادی بوده و از عوامل حرکت انسان، برای پیشرفت زندگی بشمار می‌آید. به همین دلیل، گر چه نمی‌توان آنها را از میان برد،اما هرگز نباید برای سرکوبی آنها نیز تلاش کرد،زیرا اگر این شهوات در حد اعتدال باشند، نه تنهامشکلی ایجاد نمی‌کنند، بلکه یکی از اسرار تکامل و تقدم انسان نیز محسوب می‌گردند. آنچه که به صورت مفسده اخلاقی ظاهر می‌شود، همان طغیان شهوات و خارج شدن آنها از کنترل نیروی عقل و خرد است. حال باید ملاحظه کرد که چه عواملی سبب خارج شدن امیال و

خواست‌های درونی‌از تحت کنترل عقل گشته و به صورت نیرویی ویرانگر در می‌آید.

عوامل شهوت پرستی

۱– ضعف ایمان

ضعف ایمـان، علت اصلی نادیـده گرفتن فرمان‌هـای الهی است. اگر انسان،خـدا راحاضـر و ناظر بدانـد و دادگاه بزرگ الهی را در قیامت با چشمان قلب خویش مجسم‌نماید، هرگز حدود الهی را نمی‌شکند و از مرزها تجاوز نکرده و آلوده شهوات و مفاسداخلاقی نمی‌گردد. این همان برهان الهی است که در بدترین شـرایط زندگی حضرت یوسف علیه السلام به سراغش آمد و او را از آلودگی به فحشاء ـ که تمام زمینه‌های ارتکاب، موجود وموانعش مفقود بود ـ حفظ کرد. اگر ایمان ضـعیف گشته و توجه به مبدا و معاد کم گردد، زمینه طغیـان شـهوات کاملا فراهم می‌شود که انسان در چنین شـرایطی مثل حیوان درنـده‌ای که از قفس خارج شـده باشـد و هیـچ گونه مـانعی در برابر خود نبینـد، به همه جا حمله می‌کنـد و اگر کسـی دربرابرش ظاهر شود، می‌درد. در این رابطه در حـدیث علوی آمده است:«من اشـتاق الی الجنه سـلا عن الشـهوات،کسـی که مشـتاق به بهشت (و معتقد به آن) باشد، شـهوات سرکش را به فراموشی می‌سپارد». (۱) گاهی نیز انسان برای بهره‌گیری از شـهوات بدون قید و شـرط، سد ایمان را در هم می‌شـکند تا در شـهوت پرستی آزاد باشـد، قرآن مجیـد می‌فرمایـد: «بـل یریـد الانسان‌لیفجر امامه ـ یسـئل ایان یوم القیامه (۲)،...بلکه انسان می‌خواهـد (آزاد باشـد و بـدون ترس ازدادگاه قیامت)در تمام عمر،گناه کنـد، (از این رو)می‌پرسـد: قیامت کی خواهـد بود؟(سؤالی که‌نشانه انکار یا تردیـد اسـت).» ---

(۱) . شرح فارسی غرر الحکم حدیث ۸۵۹۱. نهج‌البلاغه،کلمات قصار، حدیث ۳۱ (۲) . قیامت/ ۵ و ۶.

۲– بی اعتنایی به شخصیت اجتماعی و انسانی

بی‌اعتنایی به آبرو و حیثیت اجتماعی و ضـعف شخصـیت انسانی، اغلب سبب آلودگی به انواع شهوات می‌شود، در حالی که آبرو و شخصـیت انسانی و توجه به حیثیت اجتماعی، انسان را ـ هر چنـد که ایمان به خـدا نیز نداشـته باشد ـ در برابر طغیان شـهوات، کنترل می‌کنـد. به همین دلیل، در جوامع غیر دینی، افراد آبرومنـد و با شخصـیت، کمتر تسـلیم طغیان شـهوات گشـته و به «شـکم پرستی» و شهوات بی‌قیـد و شـرط جنسـی روی می‌آورنـد، زیراآبرو و حیثیت اجتمـاعی و شخصـیت انسـانی آنهـا، سـدی است در برابر طغیـان شهوات. بنابراین همیشه تنها افراد رذل و بی‌شخصیت، در چنگال این امور گرفتار می‌گردند.

۳– غفلت و بی‌خبری

غفلت و بی‌خبری از پیامـدهای شـهوت پرستی،عامـل دیگر آلودگی به این رذیله اخلاقی است، زیرا بیشتر رذایل اخلاقی، آثار سوء جسـمانی و بهـداشتی دارد، مثلاـ شـکم پرستی،انسـان را به انواع بیماری‌هـا مبتلا می‌سازد و یا افراط در شـهوت جنسـی، نیروو توان انسـان را کـاهش داده، اعصـاب را در هـم می‌کوبـد و عمر را کوتـاه نمـوده و در نهـایت سـلامت جسـمی و روحی انسـان را مختل می‌سازد. به همین دلیل،در جوامع غیر مـذهبی،افراد زیادی مقیـد به رعایت اعتـدال در خوردن و مسایل جنسـی هسـتند، زیرا توصـیه پزشـکان را در این زمینه پذیرفته و نتایج آن را درک کرده‌اند. مشـکلات اجتماعی ناشـی از شـهوت پرستی نیز قابل انکار نیست. به یقین «شـکم پرستی» گروهی از مردم سـبب گرسـنگی گروه‌های دیگری خواهد شد. بی‌بند و باری در مسائل جنسی نیز سبب ناامنی زن و فرزنـد این افراد می‌شود و چه بسـا که‌آلودگی به عمق خانه آنها نیز نفوذ کنـد. بنابراین هر کس که به این امور توجه کنـد، به

یقین در کنترل شهوات خویش می کوشد.

۴- معاشرت‌ها و محیط های نامناسب (۱)

معاشرت‌های نامناسب، دوستان ناباب، محیطهای آلوده و فساد وسائل ارتباطجمعی یکی از عوامل دیگر آلودگی به شهوت پرستی است. اغلب انسان‌های ناباب، دوستان خود را به گناه سوق داده و آنها را غرق گناه می‌سازند و راه‌های مختلف ارتکاب گناه را به آنها می‌آموزند،به گونه‌ای که می‌توان گفت:رایج‌ترین اسباب آلودگی‌به شهوت پرستی، معاشرت با انسان‌های گناهکار و آلوده است. بد آموزی ناشی از وسائل ارتباط جمعی و محیطهای آلوده نیز از عوامل مهم این‌آلودگی است. در این زمینه در بحث‌های مربوط به امور«زمینه ساز مفاسد اخلاقی» درجلد اول به قدر کافی صحبت کردیم و به طور مشروح بیان داشتیم که معاشرتهای آلوده،نه تنها انسان را آلوده گناه و مفاسد اخلاقی می کند، بلکه تا سر حد کفر نیز پیش می‌برد. قرآن مجید نیز درباره بعضی از دوزخیان می گوید:« و یوم یعض الظالم علی یدیه یقول‌یا لیتنی اتخذت مع الرسول سبیلا-یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلانا خلیلا-لقد اضلنی عن‌الذکر بعد اذ جائنی و کان الشیطان للانسان خذولا، (۲)و به خاطر بیاور روزی که ظالم دست‌خویش را از شدت حسرت به دندان می گزد و می گوید:ای کاش!با رسول خدا صلی الله علیه و آله راهی‌برگزیده بودم.ای وای بر من!کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! او مرا از ذکر خدا گمراه ساخت، بعد از آن که (یاد حق) به سراغ من آمده بود و شیطان همیشه خوار کننده انسان است.(او را گمراه می‌سازد، سپس در بیراهه رهایش می کند)» محیطهای آلوده، پدران و مادران فاسد و منحرف، از دیگر عوامل مؤثر آلودگی به‌شهوت پرستی است که تاثیر مخرب آنها قابل انکار نیست. به همین دلیل، هنگامی که بیشتر افراد پاک وارد چنین محیطهایی شوند، دل و ایمان خود را از دست داده و آلوده‌شهوات و مفاسد اخلاقی می‌شوند. چون در جلد اول، در بحث «کلیات مسایل اخلاقی» این امور را به عنوان زمینه‌سازهای اخلاقی، به طور مشروح مورد بحث قرار داده‌ایم، در این جا به همین مقداربسنده می کنیم. --

-------------- (۱) . مریم/ ۵۹. (۲) . فرقان/ ۲۷ تا۲۹.

راه‌های درمان شهوت پرستی

۱- راه علمی

منظور از راه علمی، این است که انسان در آثار و پیامدهای شهوت پرستی بیندیشد وببیند که چگونه تسلیم شدن در برابر شهوات، انسان را به ذلت، بدبختی، اسارت، تضعیف شخصیت اجتماعی و دوری از خدا می کشاند که زندگی خفت‌بار افرادی که آلوده‌شهوت شده‌اند، بیانگر این واقعیت است. بنابراین تامل در امور مذکور و اندیشه پیرامون شرح حال«اولیاء الله» و پیروان راستین آنها که بر اثر مبارزه با شهوات به مقامات بالا در دنیا و نزد خدا رسیده‌اند، انسان را از شهوت پرستی باز خواهد داشت. علاوه بر این که تحکیم پایه‌های عقل و ایمان، انسان را قادر به کنترل شهوات‌می کند، در این رابطه امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند: «من کمل عقله استهان بالشهوات،کسی که عقلش کامل شود،شهوت‌ها را کوچک و بی‌ارزش می‌شمرد». (۱) در جای دیگر نیز می‌فرمایند: «من غلب شهوته ظهر عقله، کسی که بر شهوات خود غالب شود، عقل و خرد او ظاهر می گردد» (۲) همچنین فرموده‌اند: «کلما قویت الحکمه ضعفت الشهوه، هر قدر حکمت و دانش‌انسان تقویت شود، شهوات و تمایلات سرکش او ضعیف می گردد».(۳) آن حضرت در پیام پر معنای دیگری نیز می‌فرمایند: «اذکر مع کل لذه زوالها و مع‌کل نعمه انتقالها و مع کل بلیه کشفها، فان ذلک ابقی للنعمه،و انفی للشهوه، و اذهب‌للبطر،و اقرب الی الفرج و اجدر بکشف الغمه و درک المامول، هرگاه در

لـذت (حرامی) باشـی، به یـاد بیاور که روزی زایل می‌شود، و اگر در هر نعمتی هستی، به خاطر داشـته باش که روزی سـلب خواهد شـد. در بلاها نیز انتظار بر طرف شدن آن را داشـته باش، زیرا این یادآوریها، نعمت را پایدارتر می‌کند و شـهوات را دور می‌سازد و مستی و غرور نعمت را زایـل می‌کنـد و به فرج و گشـایش امور نزدیکـتر و در از میـان رفتن انـدوه و رسـیدن به مقصود، نزدیکتر و شایسته است». (۴) به این ترتیب اندیشه در پیامدها، اثر عمیقی در بازدارندگی از آلودگی به شهوت‌هادارد، تمام تلاش رهبران الهی نیز این بوده است تا عواقب شوم گرفتاری در چنگال شـهوات را به انسان‌ها گوشـزد نموده و آنها را از کام شهوات نجات دهند. این حـدیث از پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله،بیـانگر این معنی است: «خمس ان ادرکتموهن فتعوذوابالله منهن:لم تظهر الفاحشه فی قوم قـط حتی یعلنوهـا، الا ـ ظهر فیهم الطـاعون و الاوجاع‌التی لم تکن فی اسـلافهم الـذین مضوا و لم ینقصوا المکیال و المیزان الا اخـذوا بالسـنین و شـده المؤنه و جور السـلطان،و لم یمنعوا الزکاه الا منعوا المطر من السـماء، و لو لاالبهائم لم یمطروا و لم ینقضوا عهد الله و عهـد رسوله الا سـلط الله علیهم عـدوهم واخـذوا بعض ما فی ایدیهم،و لم یحکموا بغیر ما انزل الله الا جعل الله عز و جل باسـهم‌بینهم، پنج چیز است که اگر با آنها روبرو شدید، از آنها به خدا پناه ببرید، اعمال زشت و آشکاردر هیچ قومی ظاهر نمی‌شود، مگر این که گرفتار طاعون و بیماری‌هایی می‌شونـد که در میان پیشـینیان آنها نبوده است و هیـچ قومی کم فروشـی نمی‌کنند مگر این که گرفتار قحطی و سـختی زندگی و ظلم حاکمان می‌شوند و هیچ قومی منع زکات نکردند مگر این که، از باران رحمت الهی محروم شدند و اگر به خاطر حیوانات نبود، بارانی به آنها نازل نمی‌شـد و هیچ جمعیتی، پیمان خدا و رسولش را نمی‌شکسـتند، مگر این که خداوند دشمنانشان را بر آنهامسلط کرد و قسمتی از آنچه را که آنها داشتند،از آنان گرفتند و هیچ گروهی به غیر احکام‌الهی حکم نکردند، مگر این که خداونـد اختلاف در میان آنها افکنـد و با هم درگیر شدند». (۵) بی‌شک، تامل و تدبر در این پیامدها، تاثیر مسـتمر و یا موقت در بازداشـتن اعمال غیراخلاقی دارد. ---

------------------- (۱) . شـرح فارسـی غرر، حدیث ۸۲۲۶. (۲) . همان، حـدیث ۷۹۵۳. (۳) . همان، حـدیث ۷۲۰۵. (۴) . میزان الحکمه ، جلد ۴، ص ۳۴۸۴، حدیث ۲۱۵۰۷. (۵) . اصول کافی، جلد ۲، ص۳۷۳.

۲- راه عملی

از نظر عملی راه‌هـای مختلفی برای درمـان «شـهوت پرسـتی» وجـود دارد از جمله: ۱- یکی از بهـترین راه‌هـای عملی برای نجـات از گرداب شـهوت، اشباع صـحیح امیـال و خواسـت‌هـای جنسـی است، زیرا اگر خواست‌ها و امیالی که در درون انسان وجود دارنـد از راه‌های صـحیح، اشباع گردند، دیگر زیانبار و مخرب نخواهند بود، به تعبیردیگر، این خواست‌ها را نمی‌توان و نباید سـرکوب کرد، بلکه باید از آنها در کانال‌های صـحیح و سازنده اسـتفاده کرد، در غیر این صورت ممکن است تبدیل به سـیلاب ویرانگری شود که حرث و نسل انسان را با خود خواهـد برد. به همین دلیل، اسـلام نه تنها تفریحات سالم و بهره‌گیری معتـدل از خواست‌های درونی را مجاز شـمرده، بلکه نسبت به آن تشویق نیز نموده است. خطبه معروفی که ازامام جواد علیه السـلام در مورد عقد همسـرش نقل شده است، شاهـد گویای این مـدعاست. آن‌حضـرت در این خطبه می‌فرمایند: «اما بعد فقد کان من فضل الله علی الانام ان اغناهم‌بالحلال عن الحرام، یکی از نعمت‌هـای الهی بر بنـدگان این است که آنهـا را به وسـیله حلالـ‌از حرام بی‌نیـاز سـاخته است». (۱) این حـدیث معروف نیز بر همین نکته اشـاره دارد:«للمؤمن ثلاـث ساعـات،فسـاعه یناجی فیها ربه،و ساعه یرم معاشه،و ساعه یخلی بین نفسه و بین لـذتها فیما یحل ویجمل، انسان با ایمان ساعات زنـدگیش را به سه بخش تقسـیم می‌کند، قسـمتی را صـرف مناجات با پروردگارش می‌کند و قسمت دیگر را در راه اصلاح معاش و بندگیش به کار می‌گیردو قسمت سوم را به بهره‌گیری از لذت‌های حلال و دلپسند اختصاص می‌دهـد». (۲) ---

------ (۱) . بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۷۶. (۲) . نهج البلاغه، کلمات قصار، جمله ۳۹۰.

۳- سایر راههای درمان

۱- یکی دیگر از راه‌های نجات از شهوت پرستی،برنامه‌ریزی دقیق برای برنامه‌های زندگی است، زیرا، هرگاه انسان، برای تمام اوقات خود برنامه داشته باشد (هر چند برنامه او در پاره‌ای از موارد جنبه تفریحی و ورزشی داشته باشد)، دیگر مجالی برای کشیده شدن به آلودگی‌های شهوانی باقی نمی‌ماند. ۲- برچیدن عوامل آلودگی نیز یکی از راه‌های درمان و یا پیشگیری است، زیراامکان آلودگی به شهوات در محیطهای آلوده فراوان است، یعنی، اگر محیط، آلوده شهوت شود و اسباب آن در دسترس همه قرار گیرد و آزادی نسبی نیز وجود داشته باشد، نجات از آلودگی، مخصوصا برای قشر جوان یا کسانی که در سطح پایینی از «معرفت» دینی قرار دارند، بسیار دشوار خواهد شد. ۳- احیای شخصیت معنوی و انسانی افراد جامعه نیز،از راه‌های مهم درمان یاپیشگیری از آلودگی‌های شهوانی است، زیرا انسان، هنگامی که از ارزش وجود وشخصیت خود،آگاه شود و دریابد که او عصاره جهان آفرینش و گل سر سبد جهان خلقت و خلیفه خدا در روی زمین است، به این سادگی خود را به شهوات نمی‌فروشد. امیر مؤمنان علی علیه السلام در این رابطه می‌فرمایند:«من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهوته، کسی که به ارزش وجود خویش پی برد، شهوات در برابر او بی‌ارزش می‌شوند» (۱)و در حدیث دیگری از آن حضرت علیه السلام آمده است: «من عرف شرف معناه صانه عن دنائه شهوته...،کسی که شرافت ذاتی خود را بشناسد، او را از پستی شهوت مصون می‌دارد!...» (۲) آخرین نکته‌ای که ذکر آن لازم به نظر می‌رسد، این است که نه تنها در مساله مبارزه‌با شهوات، بلکه در تمام موارد مبارزه با مفاسد اخلاقی، باید به مساله مبارزه عملی‌اهمیت داد، به این معنی که هر قدر انسان با خلق و خوی بد به مبارزه برخیزد و در جهت مخالف آن حرکت کند، آن خلق و خوها کم رنگ و ضعیف می‌شود و این مبارزه از صورت فعلی به صورت حالت و از صورت حالت به صورت عادت و از صورت عادت به صورت ملکه در می‌آید و خلق و خوی ثانوی در جهت مقابل شکل می گیرد، مثلاًاگر انسان بخیل بذل و بخشش را تکرار کند، آتش بخل به تدریج در درون او فروکش کرده و خاموش می‌شود. اگر شهوت پرستان نیز در برابر طغیان شهوات، مقاومت و ایستادگی نمایند، طغیان شهوت فرو نشسته و روح عفت جایگزین آن می‌شود. این نکته در سخن پرمعنایی از امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل شده است: «قاوم الشهوه بالقمع لها تظفر،در برابر شهوت و امیال نفسانی، به قصد قلع و قمع مقاومت کن تا پیروز شوی. (۳) --

(۱) . بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۷۱. (۲) . غرر الحکم، شماره ۹۰۶۹. (۳) . شرح فارسی غرر الحکم، ج ۴، ص ۵۱۴، ح ۶۸۰۳.

شکم پرستی و شهوت جنسی

بزرگان علم اخلاق همچون فیض کاشانی در «المحجه البیضاء» و محقق نراقی در «معراج السعاده» و مرحوم شبر در کتاب «الاخلاق» شکم پرستی و شهوت جنسی را به صورت مستقل، مورد بحث قرار داده‌اند. در واقع از روایات اسلامی و اشاراتی که در آیات قرآن مجید است، پیروی نموده و برای این دو بخش اهمیت ویژه‌ای قایل شده‌اند. مرحوم فیض کاشانی در کتاب «المحجه البیضاء» می گوید: «بزرگترین عوامل هلاکت انسان، شهوت شکم است، همان بود که آدم و حوا را از بهشتی که دار القرار بود به دنیا که دارنیاز و افتقار است فرستاد...،در حقیقت شکم سرچشمه شهوات و منشا دردها و آفات است، زیرا حتی شهوت جنسی نیز پیرو آن است و به دنبال این دو،شهوت در جمع آوری مال و مقام‌است که وسیله‌ای برای سفره‌های رنگین‌تر و زنان بیشتر محسوب می‌شود و به دنبال آنها،تنازع در دسترسی به مال و مقام و کشمکش‌ها به وجود می‌آید و آفت ریا و خودنمایی و تفاخرو تکاثر و خود برتر بینی از آن متولد می گردد، سپس این امور عاملی برای حسد، کینه، عداوت و دشمنی می‌شود و دارنده آن را به ارتکاب انواع ظلم‌ها و منکرات و فحشاء می کشاند...، حال که چنین است، لازم است به شرح آفات آن پرداخته شود و طرق مبارزه با آن روشن

گردد. (۱) از این خطرناکتر آن است که انسان‌های شکم پرست و شهوت پرست، دین و ایمان خود را در راه آن از دست داده‌اند. در ذیل آیه: و آمنوا بما انزلت مصدقا لما معکم ولا تکونوا اول کافر به و لا تشتروا بآیاتی ثمنا قلیلا و ایای فاتقون. (۲)که خداوند در آن یهود را به خاطر فروختن آیات الهی به بهای ناچیز، مذمت می‌کند، آمده است: جمعی از علمای بزرگ یهود، به خاطر تشکیل مجالس میهمانی پر زرق و برقی از سوی یهودیان برای آنها، آیات الهی را تحریف کردند و عملا آنها را به بهای ناچیزی فروختند (و پیامبری را که تورات وعده ظهورش را داده بود و آنها سالها در انتظارش بودند،انکار کردند). در روایات اسلامی نیز بحث گسترده‌ای درباره خطرهای این دو نوع از شهوت دیده می‌شود که در ادامه به برخی موارد اشاره می‌شود: ۱- رسول خدا صلی الله علیه و اله می‌فرمایند: «ثلاث اخافهن بعدی علی امتی الضلاله بعد المعرفه و مضلات الفتن و شهوه البطن و الفرج، سه چیز است که از آنها بر امتم بعد از خودم می‌ترسم، گمراهی بعد از آگاهی و آزمایشهای گمراه کننده و شهوت شکم و شهوت جنسی». (۳) منظور از گمراهی بعد از آگاهی، این است که انسان بر اثر وسوسه‌های منحرفان وایجاد شبهات گوناگون، راه راستی را که شناخته، رها کند و در راه انحراف در آید که این موضوع در هر زمان ـ مخصوصا در زمان ما- وجود داشته و دارد. منظور از «مضلات فتن» امتحاناتی است که خداوند برای بندگانش پیش می‌آورد که گاهی انسانها به خاطر پیروی هوای نفس از عهده آن بر نمی‌آیند، و منظور از «شهوت بطن و فرج» شکم پرستی و افراط در شهوت جنسی است. مفهوم حدیث نشان می‌دهد، خطری که از ناحیه این سه امر، مردم را تهدید می‌کند، بسیار جدی است. ۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله در جای دیگر می‌فرمایند: «اکثر ما تلج به امتی النار الا جوفان البطن و الفرج، بیشترین چیزی که سبب دوزخی شدن امت من می‌شود، دو چیز میان تهی است، شکم و فرج». (۴) ۳- امام باقر علیه السلام نیز در این رابطه می‌فرمایند: «اذا شبع البطن طغی، هنگامی که شکم سیر شود، طغیان می کند.» (۵) ۴- آن حضرت در جای دیگر می‌فرمایند: «ما من شیء ابغض الی الله عز و جل من‌بطن مملوء، هیچ چیزی نزد خداوند، منفورتر از شکم پر(و بیش از اندازه خوردن) نیست». (۶) ۵- امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرمایند: «لا یفسد التقوی الا بغلبه الشهوه،تقوا وپرهیزکاری را چیزی جز غلبه شهوت از بین نمی‌برد». (۷) ۶- حدیث دیگری از همان حضرت علیه السلام نقل شده است: «لا تجتمع الحکمه والشهوه، دانش و حکمت‌با شهوت پرستی جمع نمی‌شود». (۸) ۷- همان حضرت علیه السلام در جای دیگر فرموده‌اند: «ما رفع امرءا کهمته و لا وضعه کشهوته، هیچ چیز مانند همت، انسان را بالا نمی‌برد و هیچ چیز مانند شهوت، انسان را بر زمین نمی‌زند» . (۹) آیت الله مکارم شیرازی --

------------------ (۱) . المحجه البیضاء، ج ۵، ص ۱۴۵. (۲) . بقره/ ۴۱. (۳) . اصول کافی،ج ۲، ص ۷۹. (۴) . همان. (۵) . کافی، ج ۶، ص ۲۷۰، حدیث ۱۰. (۶). همان، حدیث۱۱. (۷) . شرح غررالحکم، رقم ۱۰۶۰۶. (۸) . غررالحکم، رقم ۱۰۵۷۳. (۹) . همان، ج ۶،ص ۱۱۴،رقم ۹۷۰۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبِیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ

وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه

کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹